

دردها و درمان‌ها

چکیده سخنرانی مهندس احمد پورفلاح، عضو هیأت نمایندگان اتاق‌های بازرگانی و صنایع و معادن (تهران و ایران)، در جلسه صبحانه با مسؤولان اتاق بازرگانی تهران با حضور آیت‌الله ذری‌نجف‌آبادی، دادستان کل کشور



در قرارداد و توافقاتی که بین یک فعال اقتصادی با بخش‌های مختلف دولت یا بانک‌ها منعقد می‌شود، در صورتی که فعال اقتصادی به تعهد خود عمل ننماید، به انواع و اقسام محرومیت‌ها، محدودیت‌ها و مجازات‌ها محکوم می‌گردد، اما در صورت عدم تعهدات دولت یا بانک‌ها، هیچ کس، نه تنها در مقام پاسخ بر نمی‌آید، بلکه حتی تأدیه خسارت یا عدم النفع نمی‌نماید. به طور مثال، با وزارت نیرو توافق می‌نماییم که روزانه تا سقف معینی از برق را به عنوان تقاضا برایمان منظور نماید. ما اگر برق را مصرف نکنیم هم باید بهای آن را بپردازیم، یا اگر مصرف کنیم و بهای آن را با یک ماه تأخیر بپردازیم، برق واحدمان قطع می‌شود و برای وصل مجدد آن باید کلی دزدسر بکشیم و جریمه و هزینه بدهیم و هیچ مرجعی پاسخگوی زیان‌های ناشی از کاهش تولید، تعطیلی کارخانه، الزام به دادن خسارت به مشتری در انتظار دریافت سفارش و حقوق کارگران بیکار شده نیست.

مثال دیگر این که، برای راه‌اندازی پروژه‌ای با بانک توافق می‌شود، در میانه راه، ناگهان و بنا بر نظر تصمیم‌سازان، ادامه رایبه تسهیلات به پروژه قطع و این پروژه نیمه ساخته رها می‌شود و فریاد سرمایه‌گذار به جایی نمی‌رسد، صورت وضعیت‌های پیمانکاران به موقع پرداخت نمی‌گردد و اگر بعد از

چندین سال دوندگی، پرداخت شود، به خسارت‌های وارده و ضعیف شدن ارزش پول مطلقاً توجه نمی‌شود. دولت به هر دلیل که خوشبینانه‌ترین آن، ایجاد روحیه و رفاه در مردم می‌باشد، مبادرت به تعطیلی ناگهانی روزهایی خاص و معمولاً، بین تعطیلات می‌نماید و در این راستا، هزینه پرداخت حقوق کارگران و کاهش تولید و تضعیف بنیه مالی واحد را به تولیدکننده تحمیل می‌نماید. از قوه قضاییه انتظار داریم که از این پس، پذیرای دعاوی از این دست در مقابل هر مسؤول یا سازمانی باشد که به دلیل انجام یا عدم انجام کاری، به طرف دوم، یعنی فعال اقتصادی خسارت وارد نموده است. لذا یکی از راه‌های ایجاد امنیت اقتصادی، توجه به این نکته و احقاق حق صدمه دیدگان می‌باشد. ما دست‌اندرکاران تولید، اعتقاد داریم که تا تولید در کشور ما به یک ارزش ملی تبدیل نشود، مملکت راه نمی‌افتد، تورم پایین نمی‌آید، خصوصی‌سازی اتفاق نمی‌افتد، بیکاری کم نمی‌شود، رفاه عمومی بالا نمی‌رود، چشم‌انداز ۲۰ ساله در حد یک رویا باقی می‌ماند و هدف‌های اصل ۴۴ تحقق نمی‌یابند و بالاخره، توسعه اتفاق نمی‌افتد. تاکنون - با سعی و خطا - برنامه‌های زیادی را آزموده‌ایم و با اتکا به منابع نفتی، واردات مواد مصرفی را زیاد نمودیم، سوبسیدهای گسترده وضع کردیم و وام‌های کلان

رفاهی بی‌بازده دادیم، ولی عقربه در جهت رکوردهای مثبت حرکتی نکرد. لازم است با دیدی مثبت، مسؤولانه و متعهدانه نسبت به وضع قوانین حمایتی همت کنیم، وضع قوانین مزاحم و محدودکننده را در دستور کار جدی قرار دهیم، جلوی اقدامات فراقانونی را بگیریم، برای سرمایه و سرمایه‌گذار امنیت پایدار ایجاد نماییم، آزادسازی را قبل از خصوصی‌سازی جدی بگیریم، برای پژوهش اهمیت قایل شویم، از ایجاد شوک‌های مخرب در روند تولید و سرمایه‌گذاری پرهیز نماییم و بالاخره، با استفاده از کارشناسان و صرف هزینه‌ها در زمینه‌های حیاتی تولید، برای برون رفت از تنگناهای موجود، فرهنگ‌سازی و سرمایه‌گذاری نماییم. شاید توجه و تأمل به خواسته‌های فوق به طور مستقیم، هیچ گونه ارتباطی به مسؤولیت‌های تعریف شده برای یک دادستان ندارد، ولی بی‌تردید، تجربه حاصل از سال‌ها مسؤولیت در مسند کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، موقعیت اجتماعی و حضور دادستان محترم در نشست‌ها و جلسات گوناگون می‌تواند راهگشای بخشی از موارد پیش گفته باشد.

ارتباطات اجتماعی نامطلوب

با نگاهی به ارتباطات اجتماعی آحاد مردم در جامعه، به راحتی می‌بینیم که در دهه‌های اخیر، همبستگی و حس دگردوستی و ارتباط عاطفی بین مردم کاهش یافته و انسان‌ها از یکدیگر دور و به سرنوشت هم بی‌تفاوت شده‌اند. حضور این پدیده نامطلوب، عوارض ناخوشایندی در رفتار اجتماعی و برخوردها ایجاد نموده و از منظر اقتصادی، موجب کاهش بهره‌وری در کل جامعه می‌گردد. برای کم رنگ نمودن این ناهنجاری، باید سازمان‌ها بسیج شده و با استفاده از روانشناسان و جامعه‌شناسان و صرف هزینه، برنامه‌ریزی نمایند. در کشور کهن ایران، علاوه بر مسایل اعتقادی، محورهای ارزنده دیگری نیز وجود دارند که می‌توانند در نزدیک شدن دل‌ها و مغزها ایفای نقش نمایند. تاریخ طولانی، سرزمین استثنایی، زبان و علایق مشترک و آینده و سرنوشت مشترک، از فاکتورهایی است که لزوم همدلی، همراهی و همکاری را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. با نگاهی گذرا به جرایم که به طور محدود، به اتفاقات در شبانه روز اشاره می‌کنند، به آسانی در می‌یابیم که میزان وقوع جرم، علیرغم تلاش‌های نیروی‌های پلیس و قوه قضاییه، در سنوات اخیر، رو به تزاید می‌باشد. با مطالعه چگونگی برخورد با این مسأله در کشورهای توسعه یافته و پیشرفته، می‌توانیم به راه‌حل‌هایی دست یابیم که ما را در جهت دستیابی به جامعه‌ای امن و سالم هدایت نماید. بی‌تردید، رفع این نگرانی‌ها می‌تواند در بالابردن روحیه عمومی و حتی کاهش مهاجرت‌های خانوادگی، بسیار مؤثر باشد. ■